

حزب اعتماد ملی

خصوصی سازی

نیازمند سپر حزبی است؟

هدایت احمدی

حزب اعتماد ملی دو سال بعد از تشکیل از لاک خود بیرون آمد و در حال تنظیم خط مشی اقتصادی و خط مشی سیاسی خود است. البته برنامه سیاسی آن تا حدودی مشخص بود، کمتر و رسماً در باره برنامه های اقتصادی و خط مشی اقتصادی آن صحبتی به میان آمده بود. ظاهراً مدتی است "اتاق فکر"ی تاسیس شده و تصمیم بر این است که خط مشی اقتصادی آن تنظیم و نهایی شود و به مردم ارائه گردد.

بدون توجه به محتوای برنامه اقتصادی و برنامه سیاسی آن- به ویژه برنامه اقتصادی آن- تصمیم فوق بهر حال اساسی و پسندیده است، زیرا در سالهای اخیر و حتی بعد از ۲ خرداد، کمتر حزبی این کار را کرده است (البته منظورم احزاب قدیمی نیست). شاید بتوان امیدوار بود که حزب اعتماد ملی برنامه اقتصادی خود را به نظر خواهی نیز بگذارد.

"اعتماد ملی نه سوسیالیست است و نه لیبرالیست"

این سخن تقوی نژاد، رئیس دفتر اقتصادی حزب اعتماد ملی است که در شماره ۱۸ شهریور روزنامه اعتماد ملی منتشر شده است.

"رشد اقتصادی بدون رشد سیاسی بحران زاست" مصاحبه با دکتر جواد اطاعت، رئیس دفتر سیاسی حزب اعتماد ملی، روزنامه اعتماد ملی ۲۴ شهریور ۱۳۸۶. به این ترتیب باید نوبت به آقای کروبی هم برای یک گفتگوی جدی در باره خط مشی اقتصادی و سیاسی حزب اعتماد ملی رسیده باشد. نه از آن دست گفتگوها که هنوز اسیر ماجرای رسوای انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم و تقلب های در آن و یا اختلافات ایشان در مجلس ششم با اصلاح طلبان و سپس تسری آن به شورای رهبری مجمع روحانیون مبارز باز می گردد! آنچه که آقایان اطاعت و تقوی نژاد می گویند بویژه در عرصه اقتصادی هیچ شباهتی به اصول و آرمان های انقلاب که به خط امام مشهور شده بود ندارد. البته بحث بر سر مواضع اقتصادی است نه سیاسی.

محتوای اقتصادی انقلاب ۵۷ در فصول سوم و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی گنجانده شده است، این محتوا از دستاورد های بزرگ انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است که اکنون رهبر جمهوری اسلامی آن را با یک فرمان لغو کرده و از شیر مرغ تا جان آدمی زاد را در ایران به بخش خصوصی تقدیم کرده است.

اصل ۴۴ بر پایه اقتصاد مختلط تنظیم شده است و چگونه می توان خود را طرفدار انقلاب ۵۷ اعلام داشت اما علیه آن و به سود فرمان رهبر کنونی مواضع تائید آمیز داشت؟

طرفداری از خط انقلاب ۵۷ یعنی دفاع از صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، بانک ها و بیمه ها، معادن بزرگ، تامین نیرو، سد ها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه، راه آهن و مانند اینها در اختیار یک دولت ملی. یعنی در مالکیت عمومی که دولت آن را نمایندگی باید بکند.

بخش تعاونی شامل شرکت ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهرها و روستاها طبق ضوابط تشکیل می شود.

بخش خصوصی نیز شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

چنانچه پیداست اصل ۴۴ با فعالیت بخش خصوصی مخالفت نکرده، بلکه می گوید **اهرم های مهم اقتصادی** باید در دست بخش عمومی و دولتی که در حقیقت نماینده مردم می باشد، قرار داشته باشد و بقیه قسمت های اقتصادی در دست بخش خصوصی و تعاونی باشد.

در جهان کنونی نیز سه نوع سیستم اقتصادی دیده می شود. هیچ کشوری از این سه حالت خارج نیست:

اول- سیستم اقتصاد سرمایه داری (لیبرالیسم، نئولیبرالیسم) : در این سیستم در مجموع " بخش خصوصی " حاکمیت کاملی دارد، در حقیقت دولت در این حکومت ها نماینده و کارگزار، نوکر و غلام بخش خصوصی است. ایالات متحد آمریکا ، تمام کشور های اروپایی غربی، ژاپن و..... از مهمترین این کشور ها می باشند. در این کشور ها در حقیقت " سیستم اقتصاد سرمایه سالاری " حاکم است.

دوم- سیستم اقتصاد سوسیالیستی: در این سیستم اقتصادی " بخش دولتی " یا " بخش عمومی " حاکمیت دست بالایی دارد و در حقیقت دولت نماینده و عمدتاً کارگزار بخش دولتی و عمومی می باشد.

سوم- سیستم اقتصادی مختلط: در این سیستم اهرم های اقتصادی عمده از جمله صنایع مادر، صنایع سنگین، بانک ها و بیمه و... در مالکیت عمومی (دولتی) می باشد و **بخش خصوصی نیز از قدرت نسبتاً زیادی برخوردار است**. بهترین نمونه در این مورد اقتصاد مختلطی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی گنجانده شده است. شاید مفهوم " نه سوسیالیست و نه لیبرالیسم " تا حدودی در اینجا صدق کند.

اقتدار گرایی و مردم سالاری در بخش سیاسی و اقتصاد آزاد و اقتصاد متکی به عدالت اجتماعی در بخش اقتصادی مفاهیمی هستند که به وسیله دکتر اطاعت بکار رفته است، تا حدود زیادی درست است ولی در قسمت دیگر که ترکیب مفاهیم فوق است مطالب خلط شده است.

" حزب اعتماد ملی حزبی است که از نظر سیاسی مخالف اقتدار گرایی و خواهان مردم سالاری است، از نظر اقتصادی نیز همانگونه که با اقتصاد دولتی سر سازش ندارد، با **لیبرالیسم اقتصادی** که اقشار آسیب پذیر مورد بی مهری و بی عنایتی قرار گیرند نیز نمی تواند همخوانی داشته باشد.

به عبارتی ما حزبی هستیم اصلاح طلب که از نظر سیاسی به قواعد و ضوابط دموکراتیک پای بندیم و از نظر اقتصادی ضمن اینکه موافق سرمایه گذاری بخش خصوصی ، امنیت سرمایه گذاری و اقتصاد آزاد هستیم، اما در عین حال **لیبرالیسم بی حد و حصر اقتصادی** را نمی پذیریم، به عبارتی **آسیب های اجتماعی** را از طریق **بیمه های اجتماعی**، ایجاد اشتغال، **کنترل تورم و خدمات اجتماعی** کاهش می دهیم. " صفحه ۸ روزنامه اعتماد ملی، ۸۶/۶/۲۴. در همین اظهار نظر از یک طرف گفته می شود حزب اعتماد ملی با " **لیبرالیسم اقتصادی** " هم خوانی ندارد ولی در دو خط پائین تر می گوئی حزب اعتماد ملی با " **اقتصاد آزاد** " موافق است.

" لیبرالیسم اقتصادی " همان " اقتصاد آزاد " است، در حقیقت این دو مفهوم ، دو مفهوم اقتصادی مترادف می باشد. در نوشته ها و گفتار ها گاهی از مفهوم " لیبرالیسم اقتصادی " و گاهی از مفهوم " اقتصاد آزاد " استفاده می شود.

همین است که باید بالاخره حزب اعتماد ملی پاسخ بدهد موافق اقتصاد آزاد (لیبرالیسم اقتصادی) است و یا مخالف.

بخش خصوصی که حزب اعتماد ملی نیز معتقد است باید اقتصاد مملکت را اداره کند با کدام انتخابات دموکراتیک و مردم سالار انتخاب شده است که صلاحیت داشته باشد اقتصاد مملکت

منجمله صنایع مادر، صنایع سنگین، تجارت خارجی، بانک ها، بیمه ها و... که نبض اقتصادی جامعه می باشد را اداره کند؟

چگونه می توان از مردمسالاری و رای مردم سخن گفت و طرفداری کرد، اما آنجا که به سیستم اقتصادی می رسد، نیازی به مردمسالاری نباشد و از روی سر میلیون توده مردم اقتصاد ملی را سپرد به بخش خصوصی؟

در نبود یک چنین مردمسالاری است که مردم نمی دانند حدود ۸۰۰ میلیارد دلار پول نفت طی ۳۰ سال گذشته کجا رفته است؟ به جیب ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر شدید و مطلق رفته ؟ به جیب ۶ میلیون بیکار و خانواده های مستاصل آنها؟ به جیب مستضعفان و کوخ نشینان؟ به جیب دولت ؟ به جیب دارندگان حساب های بی حسابی که نام آن را حساب شخصی رهبر و شورای تبلیغات اسلامی و ... گذاشته اند و سر از بانک های بین المللی در آورده؟ به جیب سازمان تامین اجتماعی بدهکار و ورشکست شده رفته است؟

پیداست که در تمام این سالها نیز بخش خصوصی از این همه ثروت منتفع شده است. در حال حاضر بخش خصوصی بیش از ۹۵ درصد تولید و توزیع کشاورزی ایران را در اختیار دارد (تولیدات کشاورزی و صنایع تبدیلی کشاورزی حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد تولید ناخالص ملی را بخود اختصاص داده است). تمام و یا عمده بازار و تجارت در بخش خصوصی قرار دارد، تمام بنگاه های کوچک، متوسط و حتی بزرگ صنعت و خدمات در مالکیت بخش خصوصی قرار دارد. باز هم نیاز به حزبی است برای فربه تر کردن این بخش؟

اقتصاد آزاد را با مردم سالاری مترادف دانستن اشتباه بزرگ است ، اقتصاد دولت پهلوی، اقتصاد کنونی دولت پاکستان، اقتصاد کنونی دولت عربستان سعودی و... تماما اقتصاد آزاد بوده و هست ولی آیا حکومت هایشان نیز مردم سالار بودند و هستند؟

راه توده ۱۵۰ ۲۴,۰۹,۲۰۰۷